

۲۰۱۱۳۲۹

نظامی کنجوی

نفس ووشیرین

www.ketab.ir

سرشناسه : نظامی، الیاس بن یوسف، ۹۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق.

Nizami Ganjavi

عنوان قراردادی : خسرو و شیرین

Khosrow and shirin

عنوان و نام پدیدآور: خسرو شیرین/نظامی گنجوی؛ به کوشش میلاد اسدزاده.

مشخصات نشر : تهران: نیلوفر نقره‌ای، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۲۷۳ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۵۶-۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۶ ق.

Persian poetry -- 12th century

شناسه افزوده : اسدزاده، میلاد، ۱۳۶۹ -

رده بندی کنگره : PIR۵۱۲۸ ۱۳۹ الف

رده بندی دیویی : ۸۱۰۳

شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۰ ۵۳۸

انتشارات نیلوفر نقره‌ای

خسرو و شیرین

جمال‌الدین ابومحمد الیاس نظامی گنجوی

به کوشش: میلاد اسدزاده

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۵۶-۴-۹ ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۵۶-۴-۹

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: آسمان آبی

تهران خیابان جمهوری، خیابان دانشگاه شمالی، تقاطع خیابان لبافی‌نژاد

پلاک ۸۲ طبقه اول، واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۸۲۲۸۳ تلفکس: ۶۶۴۶۵۴۶۳

تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۳۹۸۵۷۷ - ۰۹۳۵۴۵۰۵۰۱۲

فهرست

۱۳	 دیباجه
۱۵	 به نام ایزد بخشاینده
۱۵	 در توحید باری
۱۷	 در استدلال نظر و توفیق شناخت
۱۹	 آمرزش خواستن
۲۱	 در نعت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم
۲۲	 در سابقه نظم کتاب
۲۳	 در ستایش ابوطالب طغرل ارسلان
۲۵	 ستایش اتابک اعظم شمس الدین ابوجعفر محمد بن ابی اسحاق
۲۷	 خطاب زمین بوس
۲۹	 در مدح شاه مظفرالدین قزل ارسلان
۳۱	 حکایت
۳۲	 در پژوهش این کتاب
۳۴	 سخنی چند در عشق
۳۵	 عذرانگیزی در نظم کتاب
۳۸	 آغاز داستان خسرو و شیرین
۳۹	 صفت بزرگ امید
۴۰	 عشرت خسرو در مرغزار و سیاست هرمز
۴۱	 شفیع انگیزختن خسرو پیران را پیش پدر

- ۴۲ به خواب دیدن خسرو نیای خویش انوشیروان را
- ۴۳ حکایت کردن شاپور از شیرین و شب‌دیز
- ۴۴ وصف جمال شیرین
- ۴۶ صفت شب‌دیز
- ۴۷ رفتن شاپور در ارمن به طلب شیرین
- ۴۸ در نژاد شب‌دیز
- ۴۹ نمودن شاپور صورت خسرو را بار اول
- ۵۱ نمودن شاپور صورت خسرو را بار دوم
- ۵۱ نمودن شاپور صورت خسرو را بار سوم
- ۵۳ پیدا شدن شاپور
- ۵۸ گریختن شیرین از نزد مهین بانو به مداین
- ۶۱ اندام شستن شیرین در چشمه آینه
- ۶۱ دیدن خسرو، شیرین را در چشمه سار
- ۶۷ رسیدن شیرین به مشکوی خسرو در مداین
- ۶۸ ترتیب کردن کوشک برای شیرین
- ۷۰ رسیدن خسرو به ارمن نزد مهین بانو
- ۷۱ مجلس بزم خسرو و باز آمدن شاپور
- ۷۳ آگاهی دادن شاپور خسرو را از شیرین
- ۷۴ رفتن شاپور دیگر بار به طلب شیرین
- ۷۷ آگاهی خسرو از مرگ پدر
- ۷۹ بر تخت نشستن خسرو به جای پدر
- ۷۹ باز آوردن شاپور شیرین را پیش مهین بانو
- ۸۰ گریختن خسرو از بهرام چوبین
- ۸۱ به هم رسیدن خسرو و شیرین در شکارگاه
- ۸۳ اندرز و سوگند دادن مهین بانو شیرین را
- ۸۴ چوگان باختن خسرو با شیرین
- ۸۶ صفت بهار و عیش و خسرو و شیرین
- ۸۸ شیر کشتن خسرو در بز مگاه

- ۸۹ افسانه گفتن خسرو و شیرین و شاپور و دختران
- ۹۱ افسانه سرایی ده دختر
- ۹۱ افسانه گفتن فرنگیس
- ۹۱ افسانه گفتن سهیل
- ۹۱ افسانه گفتن عجب نوش
- ۹۱ افسانه گفتن فلک ناز
- ۹۲ افسانه گفتن همیلا
- ۹۲ افسانه گفتن همایون
- ۹۲ افسانه گفتن سمن ترک
- ۹۲ افسانه گفتن رزیداد
- ۹۲ افسانه گفتن ختن خاتون
- ۹۲ افسانه گفتن کوه مدک
- ۹۲ افسانه گفتن شاپور
- ۹۳ افسانه گفتن شیرین
- ۹۳ افسانه گفتن خسرو
- ۹۵ آزدن خسرو از شیرین و رفتن به جانب روم
- ۹۷ پاسخ شیرین
- ۹۸ پاسخ دادن خسرو شیرین را
- ۹۹ پاسخ شیرین خسرو را
- ۱۰۰ لایه کردن خسرو پیش شیرین
- ۱۰۱ دمیدن روز
- ۱۰۳ رفتن خسرو از پیش شیرین
- ۱۰۵ جنگ خسرو با بهرام و گریختن بهرام
- ۱۰۷ بر تخت نشستن خسرو به مداین بار دوم
- ۱۱۰ نالیدن شیرین در جدایی خسرو
- ۱۱۲ وصیت کردن مهین بانو شیرین را
- ۱۱۴ نشستن شیرین به پادشاهی
- ۱۱۶ آمدن شیرین به مداین

- ۱۱۶ آگهی خسرو از مرگ بهرام چوبین
 ۱۲۰ بزم آراییی خسرو
 ۱۲۰ سی لحن بارند
 ۱۲۴ شفاعت کردن خسرو پیش مریم از شیرین
 ۱۲۵ فرستادن خسرو شاپور را به طلب شیرین
 ۱۲۶ عتاب کردن شیرین به شاپور
 ۱۳۳ آغاز عشق فرهاد
 ۱۳۶ آمدن شیرین به تماشای فرهاد
 ۱۳۷ زاری کردن فرهاد از عشق شیرین
 ۱۴۰ آگاهی یافتن خسرو از عشق فرهاد
 ۱۴۱ رای زدن خسرو در کار فرهاد
 ۱۴۱ طلب کردن خسرو فرهاد
 ۱۴۲ مناظره خسرو با فرهاد
 ۱۴۴ کوه کنندن فرهاد و زاری او
 ۱۵۰ رفتن شیرین به کوه بیستون و سقط شدن اسبش
 ۱۵۱ آگاهی خسرو از رفتن شیرین نزد فرهاد
 ۱۵۵ تعزیت نامه خسرو به شیرین از راه طنز
 ۱۵۸ مردن مریم
 ۱۵۸ تعزیت نامه شیرین به خسرو در مرگ
 ۱۵۸ مریم از راه باد افرا
 ۱۶۱ رسیدن نامه شیرین به خسرو
 ۱۶۱ صفت داد و دهش خسرو
 ۱۶۲ به می نشستن خسرو بر تخت طاقدیسی
 ۱۶۴ شنیدن خسرو اوصاف شکر اسپهانی را
 ۱۶۵ رفتن خسرو به اصفهان در تمنای شکر
 ۱۶۸ تفحص خسرو در کار شکر و خواستاری او
 ۱۷۱ تنها ماندن شیرین و زاری کردن وی
 ۱۷۳ ستایش صبحگاه

- نیایش کردن شیرین با یزدان پاک ۱۷۴
- رفتن خسرو سوی قصر شیرین به بهانه شکار ۱۷۵
- دیدن خسرو شیرین را و سخن گفتن با شیرین ۱۸۰
- بازگشت خسرو از قصر شیرین ۲۰۲
- پاسخ شاپور به خسرو ۲۰۴
- پشیمان شدن شیرین از رفتن خسرو ۲۰۶
- خواب دیدن خسرو و تعبیر شاپور ۲۰۸
- مجلد آراستن خسرو در شکارگاه ۲۰۸
- خرگش کردن نکिसا از زبان شیرین ۲۱۱
- سرودگفتن با زبان خسرو ۲۱۲
- سرودگفتن نکيسا از زبان شیرین ۲۱۳
- سرودگفتن باربد از زبان خسرو ۲۱۴
- سرودگفتن نکيسا از زبان شیرین ۲۱۶
- غزل گفتن باربد از زبان خسرو ۲۱۷
- سرودگفتن نکيسا از زبان شیرین ۲۱۸
- سرودگفتن باربد از زبان خسرو ۲۲۰
- بیرون آمدن شیرین از خرگاه ۲۲۲
- آوردن خسرو شیرین را از قصر به مداین ۲۲۴
- زفاف خسرو و شیرین ۲۲۶
- اندرز شیرین خسرو را در داد و دانش ۲۳۲
- سؤال جواب خسرو با بزرگ امید ۲۳۳
- اولین جنبش ۲۳۳
- چگونگی فلک ۲۳۴
- اجرام کواکب ۲۳۴
- مبدأ و معاد ۲۳۴
- گذشتن از جهان ۲۳۴
- در بقای جان ۲۳۵
- در چگونگی دیدار کالبد در خواب ۲۳۵

- ۲۳۵ در یاد کردن دورۀ زندگی پس از مرگ
- ۲۳۵ چگونگی زمین و هوا
- ۲۳۶ در پاس تندرستی از راه اعتدال
- ۲۳۶ چگونگی رفتن جان از جسم
- ۲۳۶ تمثیل موبد اول
- ۲۳۶ تمثیل موبد دوم
- ۲۳۷ تمثیل موبد سوم
- ۲۳۷ تمثیل موبد چهارم
- ۲۳۷ در نبوت پیغمبر اکرم
- ۲۳۸ گفتن چهل قصه از کلیله و دمنه با چهل نکته
- ۲۳۸ ۱. گاو شتر به و شیر
- ۲۳۸ ۲. نجاری بوزینه
- ۲۳۸ ۳. روباه و طبل
- ۲۳۸ ۴. زاهد ممسک خرّقه به دزد باخ
- ۲۳۸ ۵. زاغ و مار
- ۲۳۸ ۶. مرغ ماهیخوار و خرچنگ
- ۲۳۹ ۷. خرگوش و شیر
- ۲۳۹ ۸. سه ماهی و رستن یکی از شست
- ۲۳۹ ۹. سازش شغال و گرگ و زاغ بر کشتن شتر
- ۲۳۹ ۱۰. طیطوی با موج دریا
- ۲۳۹ ۱۱. بط و سنگ پشت
- ۲۳۹ ۱۲. مرغ و کپی و کرم شبتاب
- ۲۳۹ ۱۳. بازرگان دانا و بازرگان نادان
- ۲۳۹ ۱۴. غوک و مار و راسو
- ۲۳۹ ۱۵. موش آهنخوار و باز کودک بر
- ۲۳۹ ۱۶. زن و نقّاش چادرسوز
- ۲۴۰ ۱۷. طیب نادان که دارو را با زهر آمیخت
- ۲۴۰ ۱۸. کبوتر مطوّقه و رهانیدن کبوتران از دام

۱۹. هم عهدی زاغ و موش و آهو و سنگپشت ۲۴۰
۲۰. موش و زاهد و یافتن زر ۲۴۰
۲۱. گرگی که از خوردن زه کمان جان داد ۲۴۰
۲۲. زاغ و بوم ۲۴۰
۲۳. راندن خرگوش پیلان را از چشمه آب ۲۴۰
۲۴. گربه روزه‌درا با دراج و خرگوش ۲۴۰
۲۵. ربودن دزد گوسفند زاهد را به نام سگ ۲۴۰
۱۶. شوه و وزن و دزد ۲۴۰
۲۷. ییو و دزد و زاهد ۲۴۱
۲۸. زن و زهر و پد ۲۴۱
۲۹. برگردن دختر موش نژاد موش را ۲۴۱
۳۰. بوزینه و ۲۴۱
۳۱. فریفتن روباه را و شیر سپردن ۲۴۱
۳۲. زاهد نسیه اندیش و کوزه و روغن ۲۴۱
۳۳. کشتن زاهد راسوی امین را ۲۴۱
۳۴. کشتن کبوتر نر کبوتر ماده را ۲۴۱
۳۵. بریدن موش دام گربه را ۲۴۱
۳۶. قبره با شاه و شاهزاده ۲۴۱
۳۷. شغال زاهد و سعایت جانوارن پیش شیر ۲۴۲
۳۸. ستیاح و زرگر و مار ۲۴۲
۳۹. چهار بچه بازرگان و برزگر و شاهزاده و توانگر ۲۴۲
۴۰. رفتن شیر به شکار و شکار شدن بچه‌های او ۲۴۲
- حکمت و اندرز سرایی حکیم نظامی ۲۴۲
- صفت شیرویه و انجام کار خسرو ۲۴۳
- نشستن خسرو به آتشخانه ۲۴۴
- کشتن شیرویه خسرو را ۲۴۶
- تمثیل ۲۴۷
- بیدار شدن شیرین ۲۴۸

۲۴۸	خواستگاری شیرویه شیرین را
۲۴۹	جان دادن شیرین در دخمه خسرو
۲۵۱	نکوهش جهان
۲۵۳	در موعظه
۲۵۴	نتیجه افسانه خسرو و شیرین
۲۵۴	در نصیحت فرزند خود، محمد، گوید:
۲۵۵	در خواب دیدن خسرو، پیغمبر اکرم را
۲۵۷	نامه نوشتن پیغمبر به خسرو
۲۶۰	معراج پیغمبر
۲۶۲	اندرز و ختم کتاب
۲۶۵	نکوهش حسودان
۲۶۶	طلب کردن قزل شاه حنیف طاهر را
۲۷۱	تأسف بر مرگ شمس الدین محمد جهان یاران

دیباچه

از زندگی نظامی آنچه می‌دانیم براساس سروده‌های خود اوست، از لابه‌لای اشعار او در پنج گنجی که به رسم معرفت است، به پاره‌ای از ماجراهای زندگی او می‌توان پی برد. با این همه، دقیقاً نمی‌دانیم کی؛ زاد شده‌ای به رحمت حق پیوسته است. سخن تذکره‌نویسان و تاریخ ادبیات‌دانان و مورخان مسألهٔ معشاش و مغلول است.

تولدش را بین ۵۳۰ تا ۴۰ هجری دانسته‌اند و مرگش نیز بین ۵۹۸ تا ۶۱۹ بیان شده است. اما تاریخ سروده‌هایش - بدان سبب که خود این‌ها تصریح دارد - روشن‌تر از بقیه‌ی تاریخ‌های ضروری و دانستنی حیات اوست.

نامش الیاس است، فرزند یوسف فرزند زکی، «رحمہ مؤید الدین». نام مادرش رئیسه و نام داییش خواجه عمر است. نام فرزندش محمد است. سه زن اختیار کرده، هر سه پیش از او مرده‌اند. گفته‌اند که نام نخستین همسرش که کنیزکی قبیجاقی بود و در استان خسرو و شیرین از او یاد کرده «آفاق» است.

باید نام دیگر همسرانش را هم ذکر می‌کرد. اگر نسبت به آنان عشتی داشت و از مرگشان غمگین نبود، عنوان عروس بر آن‌ها نمی‌نهاد و از داغشان ناله سر نمی‌داد.

محمد، فرزند نظامی، از همسر اولش بوده است و تا روزگار جوانی او، و حتی در دربار ملک عزالدین، همراه با کتاب اقبالنامهٔ او را می‌بینیم، و این در حالی است که نظامی دوران کهولت را می‌گذراند و شاید بی‌همسر است.

زادگاهش «گنجه» بوده است. احتمال این که اجداد او از نواحی قم بوده باشند، هست. تصور نمی‌رود که در گنجه ساکن بوده و جز سفری کوتاه تا سی فرسنگی گنجه به جایی دیگر نرفته است.

حکیم است و زاهد و پای‌بند شریعت. چنان که بزرگانی همچون قزل‌ارسلان وقتی او را به سی‌فرسنگی گنجه دعوت می‌کند و نظامی بدان جا می‌رود، پادشاه به محض شنیدن خبر ورود نظامی، بساط عیش و طرب را جمع می‌کند و محیط را پاکسازی می‌کند و نظامی را به صدر مصطبه می‌نشاند.

همه‌ی این‌ها برگرفته از شعر اوست.

آثارش عبارت است از: مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر، اسکندرنامه (شامل شرفنامه و اقبالنامه) این مجموعه «خمسه» نام گرفته است. جز این‌ها دیوان شعر هم دارد شامل پاره‌ای از قصاید، شعرایست.

نظامی، شاعر بلند آوازه‌ی جهان ادب ایران‌زمین، بی‌تردید از ستارگان درخشان است که زبان و فرهنگ این سرزمین را به گونه‌ای استادانه بارور ساخته است. مرحوم حسن وحید دستگردی، فرزانه‌ای که خود از شیوگان نظامی بود، سال‌های بسیاری از عمر پربار خود را در معرفی و چاپ آثار نظامی صرف کرد و به‌حق می‌توان گفت که گنجینه‌ای نفیس از نظم نظامی ارمغان ادب‌دوستان این سرزمین کرد.

تحقیق دقیق در زندگی نظامی و سارش زندگی‌نامه‌ی مفصل و مشروح و مبسوط او بر کلیات نظامی، ما را از بیان دوباره و اطالهی کلام باز می‌دارد.